

راه و رسم پابوسی

خلاصه‌ی کتاب «رضیافت ضریح»
اثر دکتر سید محمد کدبنی هاشمی

به قلم: سعید مقدّس



سرشناسه: مقلّس، سعید
عنوان قرارداد: در ضیافت ضریح: پژوهشی درباره زیارت اهل بیت (ع).
برگزیده.
عنوان و نام پدیدآور: راه و رسم پای بوسی: خلاصه کتاب در ضیافت ضریح اثر
دکتر سید محمد بنی هاشمی / به قلم: سعید مقدّس.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۳۰۸ ص.
شابک: ۵- ۱۴۴ - ۵۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا.
یادداشت: کتابنامه: ص ۳۰۱-۳۰۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: زیارت، احادیث، آداب و رسوم.
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۹۰۱۷ ب ۹۳ ز / ۵ / ۱۴۱ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۰۲۳۶

شابک ۵- ۱۴۴ - ۵۳۹ - ۹۶۴ - ۹۷۸ ISBN 978-964-539-144-5

اثر: دکتر سید محمد بنی هاشمی
به قلم: سعید مقدّس
ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ: صاحب کوثر

دفتر مرکزی: خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۳۶ ۷۷۵۲۱۸ (خط ۶)
فروشگاه: تهران، خیابان ایران، خیابان مهدوی پور، پلاک ۶۴ تلفن: ۶۴۸۰۱ ۳۳۵ (خط ۴) ۷۵۲۱۸۳۶ (۰۹۳۵)

وب سایت: <http://www.monir.com>
پست الکترونیک: info@monir.com

دیگر مراکز پخش: دارالکتب الاسلامیه، ۵۵۶۲۰۴۱۰ * نشر نیک معارف، ۶۶۹۵۰۰۱۰
نشر رایحه، ۸۸۹۷۶۱۹۸ * نشر آفاق، ۲۲۸۴۷۰۳۵ * پخش آینه، ۳۳۹۳۰۴۹۶

۳۸۰۰ تومان



این نوشتار ناقابل را

از جانب نخستین زائر سیدالشهداء علیه السلام

جناب جابر بن عبدالله انصاری

به زائر دلخسته‌ی قبر ناپیدای مادر

حضرت صاحب‌الزمان علیه السلام

تقدیم می‌داریم.



فهرست مطالب

- ۱۵ به قدر یک نثر با میزبان
- ۱۷ پیش نهاده

بخش اول: شناخت

- ۲۳ فصل اول: چه کسی را زیارت می‌کنیم؟
- ۲۳ نقش شناخت و اعتقاد در زیارت
- ۲۴ زیارت در آینده‌ی وحی
- ۲۵ زیارتگاه: سرزمین مقدّس و محترم
- یکسان بودن حرمت و ثواب زیارت اهل بیت علیهم‌السلام در زمان مرگ و حیاتشان
- ۲۷ نشانه‌های عظمت حرم‌های معصومان علیهم‌السلام
- ۳۲ فصل دوم: معرفت صحیح نسبت به زیارت
- ۳۷ حقیقت دینداری
- ۴۰ وسیله بودن اعتقاد به ائمه علیهم‌السلام (طریقیّت)



۸۰ اثر گناه: محرومیت از دیدار اهل بیت علیهم السلام در بهشت

۸۲ یادآوری گناهان: گام نخست

۸۳ پریشانی و پشیمانی: گام دوم

۸۳ پناه بردن به امام: گام سوم

۸۴ استغفار: گام چهارم

۸۶ زیارت: بهانه‌ای نیکو برای پاکی از گناهان

بخش دوم: نیت و همّت

۹۱ فصل اول: اهمیت نیت

۹۲ رابطه‌ی شناخت و نیت

۹۳ معرفت و محبت زیارت

۹۵ زیارت و قصد قربت

۹۶ مراتب زیارت با قصد قربت

۹۶ تفاوت سطح انگیزه‌های زیارت

۹۷ حاجات اخروی

۹۹ زیارت به نیت ابراز محبت به اهل بیت علیهم السلام

۱۰۱ زیارت مشتاقانه و اثر آن

۱۰۳ زیارت به نیت شکر جلوه‌ای دیگر از قصد قربت

۱۰۳ توجه به شکر واسطه‌های نعمت در زیارت

۱۰۴ زیارت نعمتی حواله شده از سوی امام عصر علیه السلام

۱۰۷ غلامی برابر اهل بیت علیهم السلام مصداق شکر نعمت ولایت

۱۱۱ فصل دوم: همّت

۱۱۱ اهمیت همّت

۱۱۳ عنایت امام عصر علیه السلام به اهل همّت زیارت امام حسین علیه السلام

۴۳ هدف بودن اعتقاد به ائمه علیهم السلام (موضوعیت)

۴۶ حقیقت زیارت

۵۳ فصل سوم: شناخت آثار و برکات زیارت

۵۵ برخی از آثار دنیوی زیارت

۵۵ فراوان شدن رزق و روزی در اثر زیارت

۵۵ طول عمر در اثر زیارت

۵۶ برآورده شدن حاجت‌ها در اثر زیارت

۶۱ عنایت معصومین علیهم السلام به زائرانشان در هنگام زیارت

۶۲ آسان شدن سکرات مرگ

۶۳ بخشایش گناهان در اثر زیارت

۶۴ بخشایش گناهان: اثری بنیادین

۶۴ کاهش روزی و کوتاهی عمر در اثر گناهان

۶۵ رفع نشدن حاجتها در اثر گناهان

۶۶ محرومیت گناهکار از عنایت اهل بیت علیهم السلام

۶۸ سخت جان دادن در اثر گناهان

۶۹ برخی آثار اخروی زیارت

۶۹ ایمنی از فشار قبر و سختی حسابرسی پس از مرگ

۷۰ سعادت در مواقف مختلف قیامت

۷۲ شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اثر زیارت

۷۴ بخشایش گناهان در اثر زیارت

۷۵ عفو گناهان: اثری بنیادین

۷۵ فشار قبر و عذاب گناهکار در عالم برزخ

۷۷ گناه منشأ دشواریهای قیامت

۷۸ گناه: آزار دهنده‌ی ائمه علیهم السلام در راه شفاعت



بخش سوم: آداب و اعمال زیارت

۱۱۹	فصل اول: آداب زیارت
۱۲۰	ادب نخست: غسل زیارت
۱۲۲	ادب دوم: اذن دخول
۱۲۴	اذن دخول به معنای عمیق تر
۱۳۵	ادب سوم: آستان بوسی
۱۳۷	ادب چهارم: طواف
۱۳۸	ادب پنجم: فرو بردن صدا
۱۴۰	ادب ششم: نماز اول وقت پیش از زیارت
۱۴۲	آداب عرفی زیارت
۱۴۳	آداب زیارت به نقل از مرحوم شهید اول
۱۴۴	ادب بانوان زائر
۱۵۱	فصل دوم: اعمال
۱۵۲	گونه‌های متون زیارت
۱۵۲	زیارتهای جامعه
۱۵۳	زیارتهای غیر جامعه
۱۵۴	شکر: عملی زیبا در هنگام زیارت
۱۵۷	شکر پدر و مادر لازمه‌ی شکر پروردگار
۱۵۹	امام عصر <small>علیه السلام</small> : مهربان‌تر از پدر و مهرورزتر از مادر
۱۶۳	سخن گفتن با امام <small>علیه السلام</small> : عملی شایسته در حین زیارت
۱۶۵	توسل و دعا: دو عمل والا در جریان زیارت
۱۶۸	توسل و زیارت
۱۷۲	عملی دیگر: نماز زیارت و نماز جعفر طیار

۱۷۵	فصل سوم: زیارت به نیابت
۱۷۷	نیابت در صدقه، حج، طواف و نماز مستحبی
۱۷۹	نیابت در زیارت حرمهای اهل بیت <small>علیهم السلام</small>

بخش چهارم: قبولی

۱۸۵	فصل اول: اهمیت و معنای قبولی عبادت
۱۸۵	اهمیت قبولی عبادت
۱۸۸	معنای قبولی
۱۹۳	فصل دوم: شرایط قبولی در فاعل
۱۹۳	معرفت
۱۹۴	تقوی
۲۰۱	طیف بردار بودن تقوا
۲۰۳	خوش اخلاقی و بردباری
۲۰۵	عقل
۲۰۷	درجه بردار بودن عقل
۲۰۹	فصل سوم: شرایط قبولی در فعل
۲۰۹	اخلاص
۲۰۹	عمل صالح یا خالص
۲۱۲	تعریف اخلاص در فرمایش امام صادق <small>علیه السلام</small>
۲۱۴	دشواری حفظ اخلاص
۲۱۷	غالب اعمال: اعمال ریاکارانه
۲۱۹	نشانه‌های ریاکاران
۲۲۱	جمع اخلاص با شادمانی از عمل



۲۷۴	کینه توزی: نابودگر عمل
۲۷۴	غیبت: حبط کننده‌ی عبادت
۲۷۵	پناهندگی به پروردگار از حبط اعمال
۲۷۷	فصل ششم: بارش فضل الهی بر کویر دست‌های خالی
۲۷۷	اهمّیت و حسّاسیت قبولی عمل
۲۷۹	امید به قبول در عین هراس از رانده شدن
۲۸۱	نداشتن معیار قطعی برای قبول عمل
۲۸۳	فضل: قاعده‌ای فراتر از وعده و وعیدها
۲۸۶	فضل الهی نقطه‌ی امید دست‌های خالی
۲۸۷	هوشیاران و تکیه نکردن به عمل خویش
۲۹۱	فضل الهی هدیه‌ای از آن اهل زیارت
۲۹۷	امام عصر <small>علیه السلام</small> : مظهر فضل و رحمت الهی
	دعا برای گشایش کار و سلامتی امام عصر <small>علیه السلام</small> : از بهترین راه‌های
۳۰۰	توسل به فضل الهی
۳۰۳	فهرست منابع

۲۲۴	لازمه‌ی اخلاص بی‌اعتنایی به غیر خدا
۲۲۶	تحقیر نفس به همراه بی‌تفاوتی نسبت به نظر دیگران
۲۲۷	تقوا
۲۳۱	فصل چهارم: موانع قبولی عمل
۲۳۲	موانع بیرونی قبولی عمل
۲۳۲	عدم تقوی و امانتداری
۲۳۴	کمترین اهانت به والدین و نماز مردود
۲۳۵	غیبت: دیگر مانع قبولی نماز
۲۳۶	حق الناس سد قبولی نماز
۲۳۸	سبک شمردن نماز: مخلّ قبولی آن
۲۴۰	عدم حضور قلب عامل مردود شدن نماز
۲۴۲	نارضایی شوهر از همسر: عامل مقبول نشدن نماز زن
۲۴۳	موانع درونی قبولی عمل
۲۴۵	کینه‌توزی و نیت سوء نسبت به برادر مؤمن
۲۴۷	گناهان زبان: موانع جدّی قبولی عمل
۲۴۸	حرام خواری: مایه‌ی ردّ عمل از سوی خدا
۲۵۰	عُجب: مانع قبولی عمل
۲۵۸	مانع دیگر قبولی: خطر از دست دادن ایمان
۲۶۳	فصل پنجم: حبط و نابودی ثواب عمل
۲۶۴	پیروی هوای نفس محبّت به دنیا و بخل: سبب حبط
۲۶۶	عُجب: عامل نابودی ثواب
۲۷۰	کبر: عامل نابودی ثواب عمل
۲۷۱	مشغولیت به شهوت جنسی حرام: باعث محو اعمال صالح
۲۷۳	ظلم به اجیر: سبب نابودی عمل

به قدر یک نثر با میزبان

... مولای! وَقَفْتُ فِي زيارَتِكَ مَوْقِفَ الْخاطِئِينَ النَّادِمِينَ
الْخائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَقَدْ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ
و رَجَوْتُ بِمُؤَالَاتِكَ وَ شَفَاعَتِكَ مَحْوَ ذُنُوبِي وَ سَتْرَ عُيُوبِي وَ
مَغْفِرَةَ زَلَلِي ...^۱

مهربان محبوب!

چشمی را که به شوق رؤیت تو باریده و پایی را که به آرزوی دیدار
تو دویده، دریاب! قلبی را که با محبت تو خو گرفته و جانی را که از
غلامی در گه تو آبرو گرفته، یار باش! از سفیر تو - جناب محمدبن
عثمان - شنودیم که:

«تَوَجَّهْ إِلَيْهِ بِالزِّيَارَةِ ...»^۲

۱. زیارت امام عصر عليه السلام در سرداب مطهر، بحار الانوار ج ۱۰۲، ص ۱۱۸، به نقل از شیخ
مفید، شهید اول و مزار کبیر.
۲. بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۷۴.



اما ندانستیم در کدام خانه رابکوبیم، نیمه شب راه کدام زیارتگاه را بگیریم تا به پایبوسی ات برسیم. ندانستیم کجایی، تا دورت طواف کنیم و لب به آستانه‌ی سرایت بگذاریم. به مانگفتند نشان خیمه‌ات را تا با ادب بر درش بایستیم، سر به زیرافکنیم و شرمنده از تقصیر برای ورود اجازه طلبیم. ما در حسرت دیدار با تو - ای مزور! زمزمه‌های آل یاسین! - بارها رو به قبله ایستاده‌ایم و سلام گفته‌ایم اما دریغاکه هیچگاه کوله‌بار لیاقت نیاورده‌ایم تا سوغات سعادت ببریم. دریغاکه چشمهای ما همچنان پشت حجاب جلال تو معطل مانده‌اند و مژگان ما برای غبار روبی از دامانت حسرت به دل نشسته‌اند ...

عزیز دل! ای صاحب ما!

آن دم که پای به روضه‌ی نبوی نهادیم، وقتی گرد غربت زده‌ی بقیع به پلکها مان گذاردیم، سحری که زیر قبه‌ی سامیه‌ی سیدالشهداء نفس کشیدیم، غروبی که در ملکوت ایوان نجف پر گرفتیم، هنگامی که جان در صفای سرداب شستیم، همه‌اش پی تو بودیم؛ از آن رو که دستان تهی و پاهای خسته و جانهای آلوده‌مان جز به لطف عنایت تو روی غنا و سلامت و طهارت نمی‌دید. اکنون که عزم زیارت کرده‌ایم تا از تو توشه برداریم، به حرمانمان مگداز و راه و رسم پای بوسی ات را خودت نشانمان بده!

پیش نهاد

سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي مَوْلَايَ مَوْلَايَ مَوْلَايَ!

قَدْ تَكَرَّرَ وَقُوفِي لِضِيَاْفَتِكَ فَلَا تَحْرِمْنِي مَا وَعَدْتَ الْمُتَعَرِّضِينَ
لِمَسْأَلَتِكَ.^۱

خداوند متعال و اولیای او را سپاس گزاریم که بار دیگر ما را بر سر سفره‌ی برکت خود نشانند و اجازه دادند که با بهره‌گیری از کتاب و سنت، تلاشی را در انتقال معارف الهی، سامان دهیم. آنچه پیش رو دارید تکاپویی است برای آنکه زوایای مختلف زیارت - این مائده‌ی الهی - با بهره‌گیری از آیات و روایات نمایانده شود. امیدواریم با مطالعه‌ی این پژوهش زائران اهل بیت علیهم‌السلام بتوانند بهره‌ی کافی از این عبادت عظیم ببرند: با «معرفت» به زیارت بروند، به «قیّت» خالص دست یابند، «ادب» آن مقام الهی را رعایت کنند و در نهایت خود را در معرض «قبولی» این عبادتشان قرار دهند.

پای بوسی آستان معصومین علیهم‌السلام - که سروران آسمانی آفرینشند - راه و

۱. فرد زیارت شده و دیدارگشته.

۱. بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۵۵، دعای بعد از زیارت امام رضا علیه‌السلام.



رسمی دارد که باید از زبان نورافشان خودشان فرا گرفت. «زیارت» اهل بیت علیهم‌السلام دیداری است که می‌تواند سوغات سعادت را نصیب انسان کند؛ به شرط آنکه انسان آگاهانه پای به این دیدار بگذارد. این آگاهی در چهار زمینه تبلور دارد:

۱) شناخت: افرادی که اعتقاد عمیق به اهل بیت علیهم‌السلام دارند و از سر خلوص و ارادت در این مسیر پای می‌نهند، از معرفت و آگاهی نسبت به آن بزرگواران برخوردار بوده‌اند. قدم برداشتن در راه کسب علم و معرفت، خود، سنتی الهی است برای آنکه خداوند این معرفت عمیق را به قلب انسان فرو افکند. به این ترتیب در مسیر این دیدار پر برکت نخستین گام «کسب معرفت» و تطبیق اعتقادات خود با ملاک حقیقی و صحیح است. این معرفت را با عنوان «معرفت به مزور» مورد بررسی قرار داده‌ایم.

افزون بر این، ایجاد معرفت به زیارت و آثار و برکات آن را نیز کاویده‌ایم تا زوار اهل بیت علیهم‌السلام دریابند به چه وادی مقدسی پای می‌نهند و چه بهره‌های وافری می‌توانند از زیارتشان ببرند.

۲) تبت و همت: در گام دوم، اهمّیت تبت و رابطه‌ی آن با معرفت مورد بررسی قرار گرفته است. به علاوه درباره‌ی مراتب مختلف نبت سخن گفته‌ایم و انواع تبت‌هایی را که می‌توان با تکیه بر آنها به زیارت رفت مورد بررسی قرار داده‌ایم. این نکات در فصل اول این بخش ذکر شده است. در فصل دوم «همت» را نتیجه‌ی تبت دانسته‌ایم و ارزش و اهمّیت آن را متذکر شده‌ایم.

۳) گام بعدی رعایت آداب و اعمالی است که زائر به راهنمایی عقل و وحی درمی‌یابد و به آنها اقدام می‌کند. در دو فصل جداگانه ابتدا برخی از آداب زیارت اهل بیت علیهم‌السلام را برشمرده‌ایم و در مورد برخی اعمالی سخن

گفته‌ایم که رعایت آنها در زیارت اهل بیت علیهم‌السلام نیکوست.

۴) قبولی: قبولی زیارت مهم‌ترین دغدغه‌ی زائر هوشیار است. ثمردهی زیارت در همین گام تجلّی می‌یابد. این شاخصه‌ی مهم در هر عبادتی مطرح است و اختصاص به زیارت ندارد. بنابراین شایسته است که با تفصیلی بیشتر نسبت به سه گام قبلی مطرح شود. از خوانندگان محترم تقاضا داریم که به این بخش اهتمام ویژه داشته باشند و توجّه بیشتری به آن بکنند. نوعاً مشاهده می‌شود که در عبادات ظواهر و آداب ظاهری بیش از شرایط قبولی مورد توجّه قرار می‌گیرند. این در حالی است که عبادت بدون قبولی ثمر نمی‌دهد و از هویت تهی است. مطالبی که در این بخش بررسی شده می‌تواند اخلاق و رفتار زائر را به‌طور کامل متحوّل کند و به همین جهت سازنده‌ترین بُعد زیارت را مبانی و راهکارهای قبولی آن تشکیل می‌دهد.

مطالبی که ذکر شد پیش از این با تفصیل و عمق لازم در کتاب «در ضیافت ضریح» مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته بود. اما پس از انتشار آن به نظر آمد بحث‌های دامنه دار، عمیق و بعضاً تخصصی (در زمینه‌های اعتقادات، اخلاق و احکام) مطالعه‌ی آن را از حوصله‌ی طیفی از زائران خارج کرده است. از سوی دیگر حجم قابل توجّه مطالب مانع این می‌شد که انگیزه‌ی کافی برای پی‌گیری بحث‌ها در سطح عموم ایجاد شود. پیشنهاد برخی از دوستان و علاقمندان به زیارت اهل بیت علیهم‌السلام نیز ما را در تلخیص کتاب مصمّم‌تر کرد. با این انگیزه‌ها بر آن شدیم که با استعانت از امام عصر علیه‌السلام به این امر همت کنیم. سعی شد کتاب جدید از نظر سبک و سیاق نگارشی، روانی و شیوایی بیشتری داشته باشد. فهرست‌های کنار صفحه حذف شد و در نقل آیات و روایات تا حدّ امکان به ترجمه اکتفا گردید. به‌علاوه در بخشهای مختصری از این کتاب، طرح بحث قدری با



تفاوت نسبت به نسخه‌ی تفصیلی ارائه شد. در قسمتهای معدودی - خصوصاً در فصل ششم از بخش چهارم - نیز توضیحات بیشتری نسبت به اصل بحث ارائه شد تا به فهم دقیق‌تر و سریع‌تر مطلب یاری رساند. در نهایت مطالب خلاصه شده و افزوده به‌طور کامل از نظر جناب آقای دکتر بنی‌هاشمی گذشت تا دقت لازم در بحث‌ها حفظ شود.

امیدواریم خداوند متعال اجر زوار اهل بیت علیهم‌السلام را زیارت بازمانده‌ی درد کشیده‌ی اباعبدالله علیه‌السلام قرار دهد تا شیعه سینه‌ی داغ‌دیده - از عزای زهرا - را با تماشای عرصه‌ی پهناور انتقام آن حضرت، تسلی دهد و به لطف و التفات آن عزیز، مزار گمشده‌ی مادر مظلومش آشکار گردد.

اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا
 اللَّهُمَّ وَكُنِ الثَّائِرَ لَهَا بِدَمِ أَوْلَادِهَا
 اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أئِمَّةِ الْهُدَى وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ
 الْكَرِيمَةِ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى،
 فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمَّهَا خَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرَمُ بِهَا وَجْهَ
 مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 وَ تُقَرُّ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا
 وَ أَبْلُغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ.^۱

سعید مقدس

در آستانه‌ی شهادت حضرت صدیقه‌ی طاهره

جمادی الثانی ۱۴۲۹ - بهار ۸۷

۱. بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۷۴ به نقل از جمال الاسبوع.

بخش ۱

فصل ۱

چه کسی را زیارت می‌کنیم؟

نقش شناخت و اعتقاد در زیارت

معرفت و شناخت اصلی‌ترین رکن ارزش دهنده به زیارت است. زیارت و بلکه هر عملی بدون معرفت بی ارزش می‌گردد و مقبول درگاه الهی نمی‌افتد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

خداوند، هیچ عملی را بدون معرفت، نمی‌پذیرد.^۱

وقتی بدانیم به زیارت چه بزرگواری می‌رویم و بفهمیم مزار او چه شرافتی دارد، آن وقت ارزش زیارت او را درک می‌کنیم. اینگونه در می‌یابیم که زیارت چه «نعمت» گرانقدری است و چقدر باید خدا را به خاطرش شکر کرد. در این فصل ابتدا شرافت مزار معصومان علیهم السلام را با استفاده از آیات و روایات تبیین می‌کنیم، سپس به بررسی ابعادی از مقامات والای ایشان می‌پردازیم تا با معرفت بیشتر و اعتقاد عمیق‌تری

۱. اصول کافی، کتاب فضل العلم، باب من عمل بغير علم، ح ۲.



راهی زیارت شویم.

زیارت در آینه‌ی وحی

خداوند متعال در قرآن کریم اعلام می‌کند که مزار معصومین علیهم‌السلام را عظمت بخشیده است؛ به علاوه تأکید می‌کند که این مکانهای شریف را محلّ ذکر نام خود قرار داده است:

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ^۱

در خانه‌هایی که خدا اجازه داده است که گرانقدر باشند و نام او در آنها یاد شود؛ صبح و شب در آن خانه‌ها کسانی او را تسبیح می‌کنند که هیچ خرید و تجارتي از یاد خداوند و به پا داشتن نماز و پرداخت زکات، غافلشان نمی‌کند؛ اینان از روزی می‌ترسند که دل‌ها و چشم‌ها در آن زیر و رو می‌شوند.

امام باقر علیه‌السلام این خانه‌ها را چنین معرفی می‌کند:

آن‌ها خانه‌های پیامبران است و خانه‌ی علی علیه‌السلام جزء آنهاست.^۲ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز ابتدا این خانه‌ها را خانه‌های پیامبران معرفی می‌کنند و خانه‌ی امیر مؤمنان علیه‌السلام را از برترین‌های آنها می‌دانند.^۳ در روایتی از امام رضا علیه‌السلام نیز مصداق این خانه‌ها، خانه‌های پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۱. نور / ۳۶ و ۳۷.

۲. تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۳. تفسیر مجمع البیان ج ۷ ص ۲۵۳.

دانسته شده است که شامل خانه‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام نیز می‌شود.^۱ این خانه‌ها، همان حرم‌ها و مرقد‌های هر یک از معصومان علیهم‌السلام است. حرم امام رضا علیه‌السلام، قبرستان بقیع، کاظمین و سامرا ... هر یک شعبه‌ای از خانه‌های پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنانند که شرافتشان خدادادی می‌باشد. این حقیقت به زیبایی در زیارت جامعه‌ی کبیره - که خطاب به همه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام است - مشاهده می‌شود:

خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَ كُمْ بَعْرَشِهِ مُخَدِّقِينَ حَتَّىٰ مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَ كُمْ فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ ...^۲
خداوند شما را به صورت انواری آفرید و شما را گرداگرد عرش خود قرار داد تا این‌که بر ما به سبب شما منت نهاد و شما را در خانه‌هایی قرار داد که خداوند اجازه داده عالی مقام باشند و نامش در آن‌ها یاد شود

اهل بیت علیهم‌السلام نورهایی دورادور عرش اعلی بوده‌اند که خداوند بر ما منت گذاشته و ایشان را به میانمان آورده است. لطف دیگر خدا اینست که خانه‌های ایشان را بلند مرتبه نموده و محلّ عبادت خویش قرار داده است. به علاوه قدر این حریم‌ها را به ما شناسانده و برای مناجات و عبادت و حاجت خواستن در آنها راهنمائیمان نموده است.

زیارت‌تگاه: سرزمین مقدّس و محترم

قرآن کریم می‌فرماید:

۱. تفسیر کنز الدقائق ج ۹ ص ۳۱۴، تأویل الآیات الظاهره ص ۳۵۹.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۹۸.



فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى.^۱

با برهنه شو که تو در سرزمین مقدس «طوی» قدم گذاشته‌ای. مرحوم علامه‌ی مجلسی بر اساس این آیه بزرگداشت حرم‌های مقدّس معصومان علیهم‌السلام را لازم می‌شمرد و پا برهنه شدن در آنها را نشانه‌ی این احترام می‌شناسند.^۲ سپس آیه‌ی دیگر را در بحث خود از زیارت نقل می‌فرمایند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ * إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولٍ إِنَّ اللَّهَ أُولِيكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِيَتَّقُوا لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرٌ عَظِيمٌ^۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدای خود را از صدای پیامبر

فراتر نبرید و با او بلند سخن نگویند آن‌گونه که با یکدیگر بلند سخن می‌گویید، که اعمالتان نابود می‌شود و شما آگاه نیستید. آنان که صدای خود را نزد پیامبر فرود می‌آورند، همانا کسانی هستند که خداوند دل‌هاشان را برای تقوا آزموده [و آماده ساخته] است؛ آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود.

ایشان از این آیه‌ی شریفه نتیجه می‌گیرند که باید نزد قبر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سایر معصومان علیهم‌السلام صدا را پایین آورد؛ چرا که احترام آنان در زمان مرگ و حیاتشان یکسان است.^۱ رعایت این‌گونه آداب حاکی از معرفت عمیق زائر نسبت به معصومان علیهم‌السلام است؛ کسی که مقام عالی این اولیای الهی را شناخته باشد خود را در مقابل ایشان کوچک می‌بیند و همین است که - همانند غلامان، خاضعانه - پا برهنه می‌کند و صدایش را بالا نمی‌برد.

یکسان بودن حرمت و ثواب زیارت اهل بیت علیهم‌السلام در زمان مرگ و

حیاتشان

در فرهنگ اعتقادی شیعه، حرمت امام علیهم‌السلام در زمان مرگ و حیاتش تفاوتی ندارد؛ همان‌گونه که ایشان در زمان زنده بودنشان ما را می‌بینند، وقتی هم پس از مرگشان به حرمان مشرف می‌شویم ما را می‌نگرند. با دانستن این حقیقت مسلماً سعی می‌کنیم خود را جمع و جور کنیم و نهایت احترام و تواضع را نسبت به مولایمان ابراز نماییم. امام زین العابدین علیه‌السلام از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کنند که:

مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي فَإِنَّ

۱. طه / ۱۲. در تشرّف معتبری که با یک واسطه برای بنده (سید محمد بنی هاشمی) نقل شده، بانوی بزرگواری در مدینه‌ی منوره مشرف محضر امام عصر علیه‌السلام می‌شود. و پس از آن که حضرتش این بانو را در مسجد النبی زیارت می‌دهند، او را به سمت حریم بقیع رهنما می‌شوند. گزارش ایشان از رفتار امام زین علیه‌السلام چنین است: «... در این هنگام از مسجد خارج شده و به سوی قبرستان بقیع رفتیم و در روز روشن و در مقابل شرطه‌های سخت‌گیر از آن در که همه وارد می‌شوند، پشت سر حضرت وارد قبرستان بقیع شدیم و یک راست، نزد قبور امام حسن، امام زین العابدین، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام رفتیم. ایشان با لحن فصیح عربی و با صدای حزین و جگرخراش، زیارت نامه خواندند و فرمودند: «زیارت نامه‌ای که حاج شیخ عباس قمی نقل کرده صحیح است... لازم به ذکر است که قبل از رسیدن به حرم ائمه‌ی بقیع حضرت مهدی علیه‌السلام این آیه‌ی مبارکه را قرائت کردند «فاخلع نعلیک» من هم کفش‌های خود را بیرون آوردم...»

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۵.

۳. حجرات / ۲ و ۳.

۱. بحار الانوار، همان.



لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَأَبْعَثُوا إِلَيَّ السَّلَامَ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي.^۱

هر که قبر مرا پس از مرگم زیارت کند، همچون کسی است که در زمان حیاتم به سوی من هجرت نماید. پس اگر نتوانستید [به زیارتم بیایید] به سوی من درود فرستید که به من خواهد رسید.

در این حدیث شریف نخست پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثواب «زیارت قبر شریف» خود را همانند ثواب هجرت به سوی خود در حال حیاتشان می‌دانند. در روایتی دیگر فرموده‌اند که زیارتشان پس از مرگ همانند زیارتشان در زمان زنده بودنشان است و برای این زیارت، ثواب «شفاعت» خویش را نیز نوید داده‌اند.^۲ این نشان می‌دهد که زائر قبر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌تواند همان ثوابی را ببرد که زائر آن حضرت در زمان حیاتشان می‌برد. به علاوه می‌توان نتیجه گرفت که زائر قبر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باید به گونه‌ای با مزار ایشان برخورد کند که گویی به دیدار پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در زمان حیات ایشان مشرف می‌گردد.

نکته‌ی جالب دیگری که در روایت فوق مشاهده می‌شود آن است که فرموده‌اند: «اگر نمی‌توانید به زیارت من بیایید بر من درود بفرستید و سلام دهید.» و تأکید نموده‌اند که این سلام و درود به ایشان می‌رسد. اگر به مدینه‌ی منوره مشرف شدیم و به فیض زیارت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیدیم، یادمان باشد در این شهر، قبرستانی پُر نور قرار دارد که حرم مقدّس چهار معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام است. حرمت این بزرگواران همان حرمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. حرم آنان جزء خانه‌های پیامبر

اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشد و کسی که به زیارت این سروران می‌رود در واقع دوباره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را زیارت می‌کند.^۱ بنابراین آنانکه دلی آگاه و قلبی هوشیار دارند این قبرستان را به چشم یک گورستان معمولی نمی‌نگرند بلکه با آن همان برخوردی را دارند که با حرم و بارگاه امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام دارند، همانقدر خاضع و سر به زیرند و به همان صورت در برابر این حریم، ادب می‌کنند. این جا را نیز وادی مقدّس می‌شمارند، کفش از پای درمی‌آورند و پیشاروی سرورانشان می‌ایستند. نخستین مظلوم از اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در این حرم دفن شده، امام مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام است. در جریان دفن این امام غریب، که از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده، سیدالشهدا عَلَيْهِ السَّلَام با عایشه روبرو می‌شوند و به او نکاتی را تذکر می‌دهند که تأکیدی دیگر بر یکسان بودن حرمت معصوم عَلَيْهِ السَّلَام در زمان مرگ و حیات ایشان می‌باشد. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌فرماید: امام مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام به برادر و وصیت نمودند که پس از غسل و کفن، پیکر ایشان را برای تجدید عهد به سوی قبر جدّ و مادر گرامیشان حرکت دهند و سپس در بقیع به خاک سپارند؛ سپس به برادر گرامیشان خبر دادند که عایشه دشمنی خود را با اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در این جریان ابراز می‌کند.

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام پس از شهادت برادر، بدن ایشان را به مسجد النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌برند و بر آن نماز می‌گزارند. سپس پیکر پاک آن حضرت را در کنار قبر پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار می‌دهند. خبر به عایشه می‌رسد، روی اسب زین داری سوار می‌شود^۲ و خود را به مسجد

۱. در ادامه مستندات این نکته را ارائه خواهیم کرد.

۲. بر اساس فرمایش امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام عایشه نخستین زن مسلمانی بود که بر اسبی زین دار سوار

شد.

۱. کامل الزیارات، باب ۲، ح ۱۷.

۲. همان، ح ۱۲.



ای ایمان آورندگان! صداهایتان را بالاتر از صدای پیامبر نبرید. و قسم به جانم که تو برای پدرت و فاروقش^۱ کنار گوش پیامبر کلنگ زدی [و امر خدا را نقض کردی] در حالی که خداوند فرموده بود:

إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَسْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى.^۲

بدرستی آنانی که صدایشان را نزد پیامبر فرو می‌آورند، همان کسانی هستند که خدا قلبشان را به تقوی آزموده است.

و سوگند به جانم که پدرت و فاروقش، به واسطه‌ی نزدیکی [مدفن] شان با پیامبر، او را آزدند و از حق پیامبر^ص آن چه را که خدا به زبان رسولش امر فرموده بود رعایت نکردند:

إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَمْوَاتًا مَا حَرَّمَ مِنْهُمْ أَحْيَاءً.

۱. لازم به ذکر است که لقب فاروق در اصل، اختصاص به امیرالمؤمنین^ع دارد و احادیث مبین این مطلب در مدارک اهل سنت نیز موجود است. به عنوان نمونه از پیامبر اکرم نقل شده است که فرمودند:

«ستكون فتنة فاذا كان ذلك فألزموا علي بن ابي طالب فإنه أول من يراني و يصافحني يوم القيامة و هو الصديق الأكبر و هو فاروق هذه الأمة يفرق بين الحق و الباطل (کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۵)

فتنه‌ای پیش خواهد آمد که در آن هنگام باید به علی بن ابی طالب پناه برید. او نخستین کسی است که در قیامت مرا می‌بیند و دست مرا می‌فشارد و او صدیق اکبر و فاروق این امت است که جدا کننده‌ی حق از باطل می‌باشد.»

این لقب پس از پیامبر اکرم همچون برخی القاب دیگر به غضب اشقیاء در آمد. در اینجا سیدالشهداء با تعبیر «فاروق پدرت» به کنایه می‌فرمایند: که وی (دومی) برای پدرت فاروق بود نه این که پیامبر^ص فاروقش نامیده باشند.

۲. حجرات / ۳.

می‌رساند. به سید الشهداء^ع اعتراض می‌کند که «برادران را از این جا دور کنید چرا که نباید کسی در این جا دفن گردد و نباید هتک حرمت رسول خدا^ص شود!!» امام حسین^ع در مقابل او قرار می‌گیرند و می‌فرمایند:

پیش از این تو و پدرت حجاب [و حرمت] رسول خدا را دریدید و تو در خانه‌ی او کسی را داخل کردی که رسول خدا نزدیک شدن او را دوست نمی‌دارد^۱ و خداوند از تو در این باره بازخواست خواهد کرد. (تو برای این کارت در پیشگاه خدا مسؤولی).

سپس می‌فرمایند:

ای عایشه! برادرم امر فرموده بود او را نزدیک پدرش رسول الله^ص ببرم تا با او پیمان خویش نو کند و بدان برادر من داناترین مردم است به خدا و رسولش و آشناترین آنهاست به تأویل کتاب؛ از این که بدانند نباید نسبت به رسول خدا پرده‌ری کند. زیرا که خدای تبارک و تعالی فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بِيوتِ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ.^۲

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خانه‌های پیامبر وارد نشوید، مگر این که به شما اجازه داده شود.

و تو بدون اجازه‌ی پیامبر، کسانی را وارد خانه‌ی رسول خدا کردی [و فرمان خدا را زیر پا نهادی] و خداوند فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ.^۳

۱. این عبارت سیدالشهداء^ع اشاره به دفن ابوبکر در جوار پیامبر اکرم^ص دارد.

۲. احزاب / ۵۳.

۳. حجرات / ۲.



خدا هر آن چه را نسبت به مؤمنان زنده حرام کرده در مورد مردگانسان نیز حرام نموده است.

آن گاه رو به این دشمن اهل بیت تأکید می کنند که اگر خداوند این اجازه را به ما داده بود که برادرم در این جا دفن شود می دیدی که علی رغم ناخشنودی تو این چنین می شد.^۱

آیهی «لا ترفعوا اصواتکم...» به ما گوشزد می کند که نزد پیامبر اکرم ﷺ نباید صدایی بلند شود. امام حسین ﷺ به زمین خوردن کلنگ در محضر قبر شریف پیامبر ﷺ را یکی از موارد بلند شدن صدا و نشانه‌ی هتک حرمت آن حضرت می شناسند. به علاوه آن حضرت تصریح می فرمایند که به حکم خداوند همان قدر که احترام مؤمن زنده واجب است، مؤمن از دنیا رفته نیز احترام دارد. بنابراین جنازه‌ی او و پس از دفن، قبر او را باید محترم داشت. این اصل مهم در مورد هر مؤمنی مسلم است و یقیناً اهل بیت ﷺ که برترین مؤمنان می باشند مشمول آن هستند و در لزوم محترم داشتن، میان مرده و زنده شان تفاوتی نیست.

نشانه‌های عظمت حرم‌های معصومان ﷺ

یکی از نشانه‌های مهم عظمت حرم‌های اهل بیت ﷺ این است که فرشتگان، شب و روز، بر مزارهای ایشان نازل می شوند و به آنها عرض سلام می کنند. امام صادق ﷺ می فرمایند:

خداوند آفریده‌هایی بیش از ملائک خلق نکرد؛ هر شامگاه هفتاد هزار ملک از آسمان فرود می آیند و سراسر شب، خانه‌ی خدا را

طواف می کنند، هنگام طلوع فجر (اذان صبح) بسوی قبر نبی اکرم ﷺ می آیند و به او سلام می دهند، پس از آن بر قبر امیرالمؤمنین ﷺ وارد می شوند و او را سلام می گویند، بعد به [سوی] قبر حسن [بن علی] ﷺ رهسپار می شوند و بر ایشان درود می فرستند، سپس راهی قبر حسین ﷺ می گردند و به او عرض سلام می کنند و پیش از آن که سپیده بدمد به آسمان باز می گردند. سپس هفتاد هزار فرشته‌ی روز نازل می شوند و [تمام] روز را تا هنگام نزدیک شدن خورشید به غروب به دور بیت الله می گردند، آنگاه نزدیکی‌های غروب خورشید رو به قبر پیامبر اکرم می آیند و ایشان را تحیت می دهند، پس از آن در [جوار] قبر امیرالمؤمنین ﷺ قرار می گیرند و ایشان را سلام می گویند، سپس بر قبر امام حسن ﷺ وارد می شوند و بر ایشان درود می فرستند [و] بعد به نزد قبر امام حسین ﷺ می آیند و سلامشان می کنند، سپس پیش از غروب خورشید به سوی آسمان بازمی گردند.^۱

ملائک از طرف خدا مأمورند که گرد کعبه طواف کنند و به زیارت اهل بیت ﷺ بروند بنابراین زائر اهل بیت ﷺ در واقع هم نفس فرشتگان الهی است. در این میان با آنکه خانه‌ی خدا - به خاطر طواف این دو گروه فرشته - شرافتی خاص دارد اما در روایات تأکید فرموده اند که شرافت سیدالشهداء ﷺ بیش از کعبه است چون در حرم آن حضرت نه تنها روز و شب بلکه در وقت هر نمازی هفتاد هزار فرشته‌ی غمزده و غبارآلود نازل می شوند و تا روز قیامت دوباره به آنها نوبت نمی رسد که به این زیارت مشرف شوند!^۲ ملائک برای زیارت حرم امام

۱. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۹۶.

۲. بحار الانوار، ۱۰۱، ص ۴۰، به نقل از کامل الزیارات.

۱. اصول کافی، کتاب الحجّة، باب الاشارة والتّص على الحسين بن علی ﷺ ح ۳.



حسین علیه السلام صف کشیده‌اند و آنقدر فراوانند که هر یک از آنها تا روز قیامت تنها یک بار این توفیق نصیب می‌شود.

نشانه‌ی دیگر شرافت معصومین علیهم السلام اینست که فرشتگان خدمتگزار ایشانند و به‌نگهبانی از ایشان می‌پردازند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در باره‌ی دختر بی‌همتایشان می‌فرمایند:

خداوند گروه کثیری از ملائک را موکل فاطمه علیها السلام قرار داده است که در کار محافظت اویند؛ از پیش رو و پشت سرش و راست و چپش. و اینان در زمان حیات با او و پس از مرگش نزد قبر اویند و بسیار بر او، پدر، شوهر و پسرانش درود می‌فرستند.^۱

و سپس بیان می‌دارند:

هر کس مرا پس از وفاتم زیارت کند، گویا فاطمه علیها السلام را زیارت کرده و هر که فاطمه علیها السلام را زیارت کند، مرا زیارت نموده^۲ و هر که علی بن ابی طالب علیه السلام را زائر باشد، انگار زائر فاطمه علیها السلام است و هر که به زیارت حسن و حسین علیهم السلام رود، همانند آن است که علی را زیارت کرده باشد و هر که فرزندان آندو (علی و فاطمه علیها السلام) را زیارت کند تو گویی آن دو را زیارت نموده است.^۳

۱. همان، ج ۱۰۰، ص ۱۲۲ و ۱۲۳، به نقل از بشارة المصطفی لشعبة المرتضى.

۲. چنانکه در تعبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشاهده می‌شود، ایشان فرموده‌اند: «... و مَنْ زَارَ فَاطِمَةَ فَكَأَنَّمَا زَارَنِي...» لذا احتمالی که در معنای این قسمت می‌توان داد، آن است که زیارت قبر حضرت صدیقه علیها السلام همانند زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حال حیات باشد، که البته آن چه تاکنون گفته شده، این معنا را تقویت می‌کند. زیرا طبق روایات، زیارت آن حضرت در هنگام مرگ حکم زیارت ایشان در هنگام حیات شریفشان را دارد.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۳. مسأله‌ی همانندی زیارت اهل بیت علیهم السلام که در حدیث شریف مطرح شده، کاملاً با فضیلتی که در خصوص زیارت بعضی از معصومین مطرح گردیده و در

در این روایت شریف توجه به دو نکته لازم است: نخست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از فرشتگانی خبر می‌دهند که از سوی خداوند مأمور محافظت از حضرت صدیقه‌اند و پس از مرگ ایشان بر ایشان و پدر و شوهر و فرزندانشان درود می‌فرستند. دوم آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فرمایش خود زیارت فرزندان حضرت زهرا علیها السلام را با زیارت امیر مؤمنان علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام یکسان دانسته‌اند و زیارت ایندو بزرگوار را همانند زیارت خود تلقی فرموده‌اند. این نشان می‌دهد که زائر هر یک از معصومین علیهم السلام در واقع به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌رود و می‌تواند همانقدر از زیارت ایشان بهره‌گیرد که از زیارت خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ثواب می‌برد.

با توجه به آنچه گفتیم تا حدی روشن می‌شود که با حرکت در مسیر زیارت اهل بیت علیهم السلام می‌خواهیم در چه فضای مقدّس و مبارکی قرار بگیریم. امیدواریم این معرفت بینش صحیحی نسبت به زیارت در ما ایجاد کند و زیارت با معرفت، بهره‌ها و ثوابهای الهی را نصیبمان سازد.

۴. مورد ساین ذکر نشده، قابل جمع است. چرا که هیچ بعید نیست فضیلت زیارت ائمه‌ی طاهرین علیهم السلام در یک حدّ مشترکی یکسان باشد اما در عین حال جهات مختلفی بتوان در آن‌ها مدّ نظر گرفت. به‌طور مثال اگر اثر خاصی را ویژه‌ی زیارت یکی از ائمه علیهم السلام معرفی فرموده‌اند می‌توان گفت زیارت آن امام از جهت تأمین آن اثر خاص نسبت به ساین ممتاز می‌شود. به این ترتیب در درجه‌ی بندی زیارات ناگزیر از در نظر آوردن حیثیات مختلف هستیم.

